

تدوین الگوی راهبردی گرایش دانش آموزان و خانواده ها به ادامه تحصیل در شاخه های فنی و حرفه ای و کاردانش از دیدگاه مدیران و هنرآموزان مدارس فنی و حرفه ای محسن خسروی^۱

چکیده

مقاله حاضر درصدد ارائه الگویی است که بر اساس آن بتوان دانش آموزان و خانواده ها به ادامه تحصیل در شاخه های فنی و حرفه ای و کاردانش جذب شوند. روش پژوهش کیفی و کمی کیفی که در بخش کیفی با استفاده از تئوری زمینه ای (گراندد تئوری) بر اساس مدل استراوس و کوربین و و در بخش کمی توصیفی از نوع پیمایشی بود. جامعه آماری در فاز کیفی بر اساس اصل اشباع نظری از تعداد ۳۰ نفر از اساتید دانشگاه فنی و حرفه ای، مدیران و هنرآموزان حوزه هنرستان های فنی و حرفه ای و کاردانش، دانش آموزان فنی و حرفه ای و خانواده آن ها با استفاده از روش نمونه گیری هدفمند ملاک محور مصاحبه نیمه ساختار یافته و اکتشافی به عمل آمد. جامعه آماری در بخش کمی شامل کلیه مدیران و هنرآموزان هنرستان های فنی و حرفه ای و کاردانش دولتی در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۲ به تعداد ۹۷۴۱ نفر بود که با استفاده از جدول کرجسی و مورگان (۱۹۷۰) تعداد ۳۸۲ نفر به روش سهل الوصول برای شرکت در پژوهش انتخاب شدند. ابزار جمع آوری داده ها در بخش کیفی مصاحبه نیمه ساختارمند و در بخش کمی پرسش نامه محقق ساخته برگرفته از فاز کیفی با ۹۵ گویه بود. برای سنجش اعتبار و روایی داده ها در بخش کیفی از دو روش بازبینی مشارکت کنندگان و مرور خبرگان غیرشرکت کننده و در بخش کمی روایی صوری آن توسط تعدادی از نمونه آماری و روایی محتوایی آن توسط تعدادی از متخصصان حوزه آموزش فنی و حرفه ای تأیید گردید. پایایی ابزار نیز با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ معادل ۰/۹۵ برآورد گردید. داده ها در بخش کمی با استفاده از روش میکروسکوپی (تحلیل خرد) در طی سه مرحله کدگذاری باز، محوری و گزینشی و با استفاده از نرم افزار مکس کیودا ۲۰۲۰ مورد تجزیه و تحلیل و در بخش کمی داده ها با استفاده از بسته آماری علوم اجتماعی و نرم افزار اسمارت پی ال اس به تحلیل روش عاملی تأییدی تحلیل شدند. یافته های بخش کیفی کشف ۳۸۵ مفهوم (گزاره) اولیه، ۹۵ مقوله فرعی و ۲۱ مقوله اصلی بود. و یافته های بخش کمی نشان داد که عوامل علی شامل هشت مقوله، عوامل مداخله گر شامل سه مقوله، عوامل زمینه ای شامل چهار مقوله، راهبردها شامل پنج مقوله و پیامدها شامل چهار مقوله، که بار عاملی همه آن ها معنادار بود. با توجه به نتایج به دست آمده و تأیید آن، می توان نتیجه گرفت که چارچوب ارائه شده از پشته نظری، تجربی و اعتبار کافی برخوردار است.

کلید واژه: عدم گرایش، خانواده، هنرستان های فنی و حرفه ای، کاردانش، دانش آموزان

^۱. استادیار گروه آموزشی مدیریت آموزشی، دانشگاه فرهنگیان، صندوق پستی ۸۸۸-۵۶۴۴۱ تهران،

ایران (ایمیل: Mo.khosravi@cfu.ac.ir)

Compilation of a strategic model for the tendency of students and families to continue their education in technical and Vocational branches From the perspective of managers and Conservatory teacher in technical and vocational schools

Mohsen KHosravi¹

Abstract

This article tries to present a model based on which students and families can be attracted to continue their education in technical and vocational schools. The qualitative and quantitative research method was qualitative, using grounded theory based on the Strauss and Corbin model in the qualitative part, and descriptive survey in the quantitative part. The statistical population in the qualitative phase was based on the principle of theoretical saturation, consisting of 30 professors of the technical and vocational university, managers and Conservatory teacher in the field of technical and vocational conservatories and vocational schools, technical and vocational students and their families using a purposive sampling method based on a semi-structured and exploratory interview. The statistical population in the quantitative part included all managers and art students in technical and vocational conservatories and state vocational schools in the academic year 1402-1403, totaling 9741 people, of whom 382 people were selected by convenience method to participate in the research using the Krejcie and Morgan table (1970). The data collection tool in the qualitative part was a semi-structured interview, and in the quantitative part, a researcher-made questionnaire derived from the qualitative phase with 95 items. To assess the validity and reliability of the data in the qualitative part, two methods were used: participant review and non-participant expert review. In the quantitative part, its face validity was confirmed by a number of statistical samples and its content validity by a number of experts in the field of technical and vocational education. The reliability of the tool was also estimated using Cronbach's alpha coefficient equal to 0.95. The data in the quantitative part were analyzed using the microscopic method (microanalysis) during three stages of open, axial, and selective coding and using MAXQDA PRO 2020 software, and in the quantitative part, the data were analyzed using the Social Sciences Statistical Package and Smart PLS software using confirmatory factor analysis. The findings of the qualitative part revealed 385 primary concepts (propositions), 95 subcategories, and 21 main categories. The findings of the quantitative part showed that causal factors included eight categories, intervening factors included three categories, contextual factors included four categories, strategies included five categories, and consequences included four categories, all of which had significant factor loadings. Considering the results obtained and their confirmation, it can be concluded that the presented framework has sufficient theoretical and empirical support and validity.

Keyword: lack of orientation, family, technical and vocational schools, faculty, students

¹. Assistant Professor Department of Educational Administration, Farhangian University, P.O. Box 14665-889, Tehran, Iran

مقدمه

جهان، جامعه و آموزش دائماً در حال تحول هستند و برای پاسخ به این تغییرات، نهادهای اصلی دولتی استراتژی‌های جهانی متفاوتی را برای تمرکز تلاش‌ها در یک جهت پیشنهاد می‌کنند. در حال حاضر، سازمان ملل متحد مجموعه‌ای از شاخص‌ها برای توسعه پایدار ارائه کرده‌اند، که می‌تواند به حداقل رساندن بی‌ثباتی زیست‌محیطی، اقتصادی و اجتماعی که در حال حاضر آن را تجربه می‌کنیم، کمک کند. در این معنا، آموزش برای توسعه پایدار به عنوان یک عامل اساسی توصیف شده است (بانامورالس و همکاران، ۲۰۲۴). آموزش برای توسعه پایدار یک خط مشی است که تأثیر قابل توجهی بر آموزش اثربخش در کشورها دارد. و عنصر اصلی آن، انتقال و توسعه شایستگی عملی هدفمند برای حل مشکلات توسعه پایداری آموزش در دانش آموزان است (اسکانستین و بودک، ۲۰۲۴).

توسعه پایدار بستگی به توسعه مهارت‌های چندگانه دارد (مک کراث و یامادا، ۲۰۲۳). و مکانی که این مهارت‌ها را ایجاد و ارتقاء می‌دهد، هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش هستند، که آموزش و مهارت‌های هنرآموزان خود را سازماندهی می‌کند (هاریتو و همکاران، ۲۰۲۲؛ ویدایانتو و همکاران، ۲۰۲۱). معمولاً فارغ التحصیلان مدارس فنی و حرفه‌ای قادر به ایجاد شغل هستند پس هنرآموزان را به دانش حرفه‌ای مجهز می‌کند تا بتوانند خود را توسعه دهند و بر اساس حوزه تخصصی خود با آن کار سازگار شوند (هسین و همکاران، ۲۰۲۱، هیدن و استاسنی، ۲۰۲۳).

آموزش فنی و حرفه‌ای و آموزش کارآفرینی همواره به عنوان وسیله‌ای برای تحول اقتصادی و اجتماعی در بسیاری از کشورها مورد استفاده قرار گرفته است (ماک و سنگر، ۲۰۱۹). کارآفرینی از دیرباز به عنوان یک کاتالیزور برای توسعه اقتصادی شناخته شده است و نیروی محرکه اصلی در افزایش نوآوری، خلاقیت و رقابت یک کشور است (گالو و همکاران، ۲۰۱۸). کارآفرینی مهارت‌ها و توانایی‌هایی را در آموزش افراد برای برنامه‌ریزی آینده خود برای خلاقیت و خودمختاری نوید می‌دهد. کارآفرینی مهارتی است که می‌تواند از طریق یادگیری در آموزش ایجاد شود. و اگر می‌خواهیم سرمایه انسانی لازم برای توسعه آینده جامعه را توسعه دهیم، کارآفرینی و آموزش باید به هم مرتبط شوند (سوهارسو و ریانتی، ۲۰۲۱). علاوه بر این، کارآفرینی را می‌توان به عنوان بخشی از تغییر به سمت مهارت

های عمومی در هنرستان های فنی و حرفه ای و کاردانش با تمرکز بر محتوای آموزشی که بیشتر در مورد توانایی ها است تا دانش در نظر گرفت (فیجس و همکاران، ۲۰۱۹).

آموزش فنی و حرفه ای به عنوان یکی از اجزا اصلی سیستم های آموزشی وظیفه تربیت نیروی انسانی ماهر و نیمه ماهر را بر عهده دارد و موجب توسعه سرمایه انسانی کارآمد می شود (دیبوم، ۲۰۱۹). هم چنان که در کشورهای توسعه یافته برای توسعه اجتماعی، اقتصادی در صدد بهره برداری بهتر و اقتصادی تر از منبع مهم تولید خود یعنی نیروی انسانی می باشند. اگر بخواهیم به اهمیت بیشتر آن تأکید شود می توان به این مورد اشاره داشت که، زمینه آموزش و پرورش فنی و حرفه ای و کارورزی که در دوران انقلاب صنعتی در اروپا و آمریکای شمالی به عنوان قسمتی از فلسفه تولیدگرایی به وجود آمد (ساندرا و همکاران، ۲۰۱۹)، حتی در کشورهای در حال توسعه مثلاً چشم انداز ۲۰۳۰ کشور کنیا تقاضاهای زیادی برای آموزش فنی و حرفه ای به عنوان یک محرک اقتصادی عنوان شده است (کنام، ۲۰۲۱). و در کشورهای مختلف آموزش فنی و حرفه ای به صورت ویژه در توسعه اشتغال سیاستگذاری شده است.

به عنوان نمونه در سیاست های آموزشی کشورهای پیشرفته مانند آلمان، آموزش فنی و حرفه ای یک محرک کلیدی در توسعه آموزش است. که این آموزش همه انواع آموزش ها را در بر می گیرد به ویژه آموزش های مرتبط با اشتغال و بازار کار که باعث پایداری در ساختارهای مرتبط با اشتغال خواهد شد (اسکوچ و همکاران، ۲۰۲۱). یا در کشور ایران نظام آموزش فنی و حرفه ای و کاردانش در وزارت آموزش و پرورش، بخش مهمی از پازل مهارت آموزی نظام آموزشی جمهوری اسلامی ایران است که در کنار سازمان آموزش فنی و حرفه ای، وزارت علوم، تحقیقات و فن آوری، و صنایع دولتی و غیردولتی که مستقیماً در امر آموزش مشارکت می کنند، تربیت نیروی انسانی ماهر در بخش فنی و حرفه ای را به عهده دارند (ابوزید، ۱۳۹۷).

برای تربیت نیروی انسانی و چارچوب رقابت پذیری کشورها تمرکز بر موضوعاتی مانند افزایش دسترسی به آموزش، افزایش کیفیت آموزش، هم افزایی دولتی و به ویژه ارتباط مدارس فنی با صنعت در اولویت این سیاست هاست (ایندراوتی و کانکرو، ۲۰۲۱). در توسعه فن آوری اطلاعات و توسعه صنایع در جهان، مدارس فنی و حرفه ای و کاردانش موظفند برنامه های درسی مدارس را با صنایع همسو کنند. برای تحقق همسویی برنامه درسی با

توسعه فن آوری اطلاعات و جهان صنعتی می‌توان امکانات و زیرساخت‌ها کافی دریافت کرد، هزینه‌های کافی برای انجام تمرین مستقیم در صنعت در نظر گرفت و معلمانی که تجربه مستقیم در دنیای صنعتی دارند جذب شوند (روسینا و همکاران، ۲۰۲۱).

جذب فارغ التحصیلان در دنیای صنعتی جنبه مهمی است که بر کیفیت دبیرستان‌های حرفه ای تأثیر می‌گذارد (کارنیوان و همکاران، ۲۰۲۱). ارزش اساسی هنرستان‌های فنی و حرفه ای این است که بین کسب دانش، مهارت‌ها و نگرش با ایجاد ارزش‌ها، به خصوص مرتبط با مهارت مورد نیاز در دنیای کار رابطه برقرار می‌کند (ایدانا، ۲۰۱۹). از آن جا که توسعه هنرستان‌ها مطابق نیاز صنعت و پاسخ گوی بازار نبوده، نیاز به ارتباط بین هنرستان‌های فنی و حرفه ای و صنعت به عنوان یک الزام است (خارنیوان و همکاران، ۲۰۲۱). که لازم برای آمادگی به حضور فعال و پایدار در صنعت و سازماندهی آموزش و جذب دانش آموزان مستعد در مدارس فنی و حرفه ای و کاردانش است، که البته این سازماندهی در سه جنبه کاری (دانش، نگرش و مهارت) با چالش‌هایی مواجه است (ایندرانتا و سوکاردی، ۲۰۲۳).

از جنبه ی نگرشی حضور دانش آموزان در مدارس فنی و حرفه ای می‌تواند تحت تأثیر عوامل مختلفی مانند خانواده، فرهنگ، مذهب و عوامل اجتماعی-اقتصادی قرار گیرد و والدین یکی از بازیگران کلیدی در این جنبه دارند و تأثیر قابل توجهی بر روی نگرش مثبت دانش آموزان نسبت به حضور در مدارس فنی و حرفه ای و کاردانش دارند (اپستین و همکاران، ۲۰۱۸؛ ایوب، ۲۰۱۷). هم چنان که والدین می‌توانند باعث نگرش منفی شوند و به جای این که اجازه به فرزندانشان بدهند که آزادانه به آن چه آن‌ها تمایل دارند سوق پیدا کنند، آن‌ها را به سمت عدم پیوستن به مدارس فنی حرفه ای سوق می‌دهند. و پیوستن به این مدارس را اتلاف وقت می‌دانند (السعیده، ۲۰۱۶).

از دیگر عوامل تأثیر گذار در جذب دانش آموزان به مدارس فنی حرفه ای و کاردانش، دوستان و همسالان دانش آموزان است. که درک دانش آموزان از دوستانشان عامل افزایش در انگیزه و به دنبال آن نگرش مثبت تحصیلی، آرزوهای تحصیلی، و توانایی خواهد داشت (اکسینگ و همکاران، ۲۰۱۹). هم چنین عواملی دیگری مانند جنسیت، نژاد، آرزوهای شغلی، علایق، اهداف، دستاورد و عملکرد گذشته آن‌ها در جذب دانش آموزان به این مدارس اثرگذار است (گاتفرید و همکاران، ۲۰۱۷).

یکی از دغدغه مهم دولت ایجاد اشتغال پایدار در کشور است، برای رسیدن به این هدف، توسعه آموزش های فنی و حرفه ای و کاردانش به عنوان راهکاری مناسب امری اجتناب ناپذیر است. در همین راستا، باید فرهنگ مهارت آموزی در کشور نهادینه شود زیرا نهادینه شدن فرهنگ مهارت آموزی ابزار اصلی و کلیدی برای تحقق سیاست ها و برنامه های اشتغال و اقتصاد مقاومتی است. بنابراین، اهمیت پژوهش فوق مبنی بر این که چه چالش هایی در این مسیر و علل عدم گرایش دانش آموزان و خانواده ها به این مراکز وجود دارد، می تواند در صورت روشن شدن این چالش ها و رفع آنها، زمینه پیشرفت محسوس و قابل توجه هنرستان های فنی حرفه ای و کاردانش را فراهم و با هماهنگی سایر عوامل دخیل، ارتقای سطح مهارت فنی و علمی هنرجویان را فراهم، و در نهایت موجب رشد و بهره وری در صنعت و اشتغال کشور شده و حتی زمینه صدور خدمات فنی و مهندسی به سایر کشورها فراهم گردد و به رشد و شکوفایی اقتصاد کشور کمک شایانی کند و باعث اشتغال خیل عظیمی از فارغ التحصیلان بیکار و دانش آموخته های این مراکز شود. بنابراین در پژوهش حاضر به این سؤالات پاسخ داده می شود ۱. شرایط به وجود آورنده از جذب و گرایش دانش آموزان و خانواده ها به هنرستان های فنی حرفه ای و کاردانش پدیدار می شود کدامند؟ ۲. چه عوامل مداخله گری برای رسیدن به این استراتژی وجود دارد؟ ۳. چه عوامل زمینه ای برای جذب دانش آموزان در مدارس فنی وجود دارد؟ ۴. چه راهبردهای اساسی به کار برده می شود؟ ۵. پیامدهای حاصل از راهبردها چیست؟ ۶. اعتبارالگوی نهایی به چه میزانی است؟

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی رتال جامع علوم انسانی

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

در عصر اطلاعات کشورها ناگزیر به سمت اقتصاد مبتنی بر دانش در حال حرکت هستند و همین امر موجب توجه به بهبود شایستگی های مادام العمر در افراد و توسعه ی آموزش های فنی و حرفه ای شده است. در این راستا مدارس فنی و حرفه ای در آموزش و پرورش کشورهای مختلف جایگاه ویژه ای دارد (بای و وو، ۲۰۱۹). از نظر یونسکو آموزش در مدارس فنی و حرفه ای علاوه بر بعد دانشی شامل مطالعه فن آوری و علوم مرتبط به آن،

کسب مهارت های عملی و کسب نگرش در راستای توسعه ی اشتغال در بخش های مختلف اقتصادی و اجتماعی جوامع است (دیویس، ۲۰۲۱).

آموزش در مدارس فنی و حرفه ای شامل آموزش و مهارت ها است که به طیف وسیعی از زمینه های جامع، تولید، خدمات، فرصت های شغلی و معیشت مربوط می شود. آموزش در این مدارس بخشی از یادگیری مادام العمر است. این حوزه افراد را قادر می سازد معنا و اهمیت یادگیری مادام العمر را تشخیص دهند. به عبارت دیگر، زمانی که افراد آموزش فنی و حرفه ای را دنبال می کنند، باید در طول زندگی خود بر یادگیری آن رشته تمرکز کنند. با پیشرفت های صورت گرفته و با ظهور جهانی شدن و نوسازی، افراد دانش و مهارت خود را از نظر روش های مدرن، علمی و نوآورانه افزایش می دهند. بنابراین، برنامه های این مدارس در ارتقای فرصت های معیشتی بهتر به افراد در بازار کار کمک می کند (کاپور، ۲۰۱۸).

در بازار کار رقابتی امروز، تفاوت قابل توجهی بین تعداد فرصت های شغلی و مهارت های لازم وجود دارد. تقاضای فزاینده برای مهارت های تخصصی، متخصصان را بر آن داشته تا اذعان کنند که بسیاری از افراد در تلاش برای برآورده کردن معیارهای مورد نیاز برای این موقعیت ها داشته باشند و بدون شک آموزش در مدارس فنی و حرفه ای نقش بسزایی در پر کردن این شکاف و آماده سازی افراد برای مشاغل موفق دارد (پیترز، ۲۰۲۱).

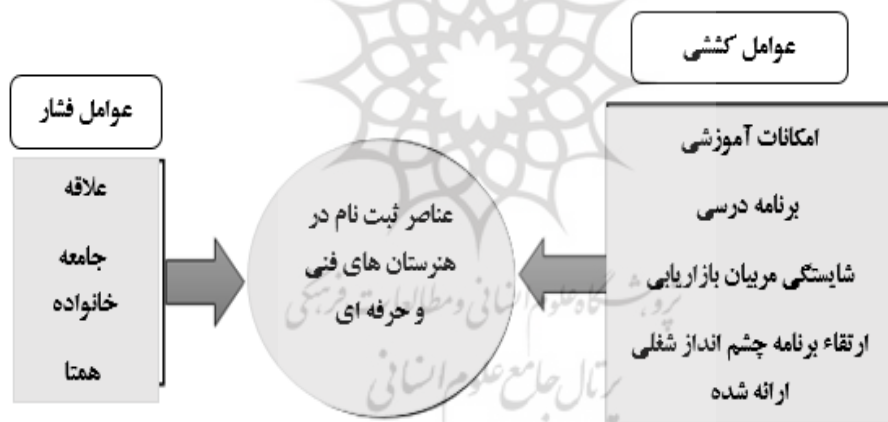
علیرغم اهمیت مدارس فنی و حرفه ای و آموزش های حرفه ای برای حضور در بازار، آمار ثبت نام در مدارس فنی و حرفه ای بدلیل بی میلی دانش آموزان از آموزش های این مدارس کاهش پیدا کرده و هم چنین تعداد ترک تحصیل دانش آموزان رو به افزایش بوده که عوامل زیادی در آن دخالت دارند که همچنان که اشاره شد عدم انگیزه دانش آموزان و عدم اعتماد خانواده های آن ها از جمله ی این عوامل می باشد که طلب می کند تغییراتی در آموزش در این مدارس داده شود (خساوانه، ۲۰۲۴).

فرآیندهای تغییر آموزشی در هنرستان های فنی و حرفه ای و کاردانش گسترده است و به طور کلی به انتقال پارادایماتیکی می پردازد که نظام آموزشی باید در قرن بیست و یکم متحمل شود. این ادبیات رویکردهای نوآورانه برای آموزش، یادگیری، ارزشیابی و عواملی را که مانع یا ترویج فرآیندهای تغییر می شوند توصیف می کند (میشرا، ۲۰۱۹). و معمولاً به نقش های مدیر و معلمان در مدیریت تغییر در این مدارس مربوط می شود (وسیسی و همکاران، ۲۰۲۰). در

طول همه‌گیری کووید ۱۹، بعد جدیدی به این ادبیات اضافه شده است که بر فرصت‌های آموزشی قابل استفاده تأکید دارد و آن خانواده است (زاو، ۲۰۲۰).

از آن جا که یکی از اساسی ترین عواملی که بر تغییر و نگرش دانش آموزان و خانواده آن‌ها در مدارس فنی و حرفه ای تأثیر می‌گذارد، مشارکت والدین در سیستم آموزشی است. یمنی و ماکسول (۲۰۲۱) تأیید می‌کنند که مشارکت والدین بر انتظارات بالا، نگرش مثبت، کمک به انجام تکالیف مدرسه، ارتباط و حضور در فعالیت‌های مدرسه تأثیر مثبتی بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دارد. همچنین از جمله عوامل تأثیر گذار در جذب به این مدارس ارتباط مدارس فنی و حرفه ای و کاردانش با کارآموزی در صنعت است. پژوهش‌های پیترز (۲۰۱۸) تأکید بر شکل‌گیری درست ترکیب تئوری و عمل و ایجاد روحیه مهارت‌های کارآفرینی در هنرآموزان دارد.

در پژوهشی توسط عزیز (۲۰۲۰) عوامل فشار و کشش برای ثبت نام در مدارس فنی و حرفه ای و کاردانش را در شکل زیر خلاصه کرده است.



شکل (۱) عوامل فشار و کشش برای ثبت نام در هنرستان های فنی و حرفه ای و کاردانش (عزیز، ۲۰۲۰)

از دیگر پژوهش‌های مرتبط با جذب یا عدم جذب دانش آموزان انجام شده است، بر تأثیر عوامل فرهنگی، فردی، کارآفرینی، شرایط خانواده بر جذب دانش آموزان در مدارس فنی و حرفه ای اشاره کرده اند شامل پژوهش‌های مهرابی (۱۴۰۲) که عوامل عدم استقبال از مدارس فنی و حرفه ای را عوامل فرهنگی اجتماعی و عوامل فردی مانند عدم توجه کافی سیاستگذاران و عدم تطابق بین نیازهای جامعه و برنامه‌های آموزش فنی و حرفه ای نداشتن روحیه خلاقانه

و اعتمادبه نفس پایین و عوامل آموزشی مانند نداشتن زیرساخت ها می داند. بریحی (۱۴۰۱) عوامل ترغیب به این مدارس را عامل خانواده محیط آموزشی، عامل اشتغال و نیاز بازار کار عامل، تبلیغات اهداف آموزشی و عامل خصوصیت فردی را به عنوان عوامل ترغیب دانش آموزان اشاره کرده است. همچنین اسعدی (۱۴۰۱) عامل تعیین کننده برای تحول در مدارس فنی و حرفه ای را کارآفرینی می داند.

روش شناسی پژوهش

پژوهش حاضر با هدف شناسایی مؤلفه های گرایش دانش آموزان و خانواده ها به ادامه تحصیل در شاخه های فنی و حرفه ای و کاردانش اجرا شده است. این پژوهش از لحاظ موضوع و هدف، یک پژوهش ترکیبی (کیفی و کمی) است. روش در بخش کیفی، از نوع مصاحبه دلفی و در بخش کمی، تحلیل عاملی است. ابزار گردآوری اطلاعات در بخش کیفی، ابتدا مؤلفه های گرایش دانش آموزان و خانواده ها به ادامه تحصیل در شاخه های فنی و حرفه ای و کاردانش با کمک مصاحبه های نیمه ساختارمند مؤلفه های گرایش دانش آموزان و خانواده ها به ادامه تحصیل در شاخه های فنی و حرفه ای و کاردانش استخراج شدند. در بخش کمی، ابزار جمع آوری داده ها پرسش نامه محقق ساخته برگرفته از فاز کیفی با ۹۵ گویه بود که روایی صوری آن توسط تعدادی از نمونه آماری و روایی محتوایی آن توسط تعدادی از متخصصان حوزه فنی و حرفه ای تأیید گردید. پایایی ابزار نیز با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ معادل ۰/۹۵ برآورد گردید. جامعه آماری پژوهش در بخش کیفی، شامل مطالعه حوزه پژوهش در زمینه جذب دانش آموزان خانواده آن ها به مدارس فنی و حرفه ای و کاردانش است و نمونه گیری به روش هدفمند از بین اساتید فنی و حرفه ای، مدیران و هنرآموزانی که ارتباط و تجربه زیاد در ارتباط با دانش آموزان فنی و حرفه ای و کاردانش داشتند و دانش آموزان فنی و حرفه ای و خانواده آن ها سی مصاحبه انجام شد، مصاحبه ها تا اشباع نظری پیش رفتند. جامعه آماری تحقیق در بخش کمی، شامل کلیه مدیران و هنرآموزان مدارس فنی و حرفه ای و کاردانش در سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۳ به تعداد ۹۷۴۱ نفر بود که با استفاده از جدول کرجسی و مورگان (۱۹۷۰) تعداد ۳۸۲ نفر به روش سهیل الوصول برای شرکت در پژوهش انتخاب شدند. ویژگی های جمعیت شناختی نمونه آماری تحقیق در جدول (۱) ارائه شده است.

جدول (۱) توزیع نمونه بر حسب جامعه آماری در هر استان

ردیف	منطقه	تعداد هنرستان های فنی و حرفه ای و کار دانش	تعداد مدیران و هنرآموزان	تعداد نمونه هنرآموزان و مدیران	درصد نمونه منتخب
۱	اصفهان	۳۷۴	۳۰۶۰	۱۲۰	۳۱,۴
۲	بوشهر	۱۲۶	۹۹۱	۴۰	۱۰,۵
۳	چهارمحال	۱۲۲	۹۰۲	۳۵	۹,۲
۴	کرمان	۳۴۰	۲۲۳۳	۹۱	۲۳,۸
۵	مازندران	۲۸۹	۲۴۵۵	۹۶	۲۵,۱
	جمع کل	۱۲۵۱	۹۷۴۱	۳۸۲	۱۰۰

در بخش کیفی، برای تجزیه و تحلیل داده ها، داده های کیفی از طریق فرایند کد گذاری، مبتنی بر طرح نظام دار نظریه ی برخاسته از داده استراوس و کوربین و براساس سه گام اصلی کدگذاری باز، کدگذاری محوری، کدگذاری انتخابی بوده و با استفاده از نرم افزار مکس کیودا^۱ ورژن ۲۰۲۰ انجام شد. اعتبارپذیری بخش کیفی با راهبردهای درگیری پیوسته و طولانی مدت محقق با فرآیند گردآوری و تحلیل داده های پژوهش، بازبینی و کنترل همکاران و تاییدپذیری مشارکت شرکت کنندگان به دست آمد. و در بخش کمی، از روش توصیفی و از نوع پیمایشی با کمک نرم افزارهای SPSS و Smart PLS استفاده شده است.

یافته های پژوهش

در بخش کیفی پژوهش، محور اصلی سؤالات پژوهش مربوط به کاوش و اکتشاف عوامل متأثر در خصوص ابعاد، مولفه ها و شاخص های مربوط به شناسایی و بررسی مؤلفه های گرایش دانش آموزان و خانواده ها به ادامه تحصیل در شاخه های فنی و حرفه ای و کار دانش به عنوان مفهوم اصلی بود. برای نیل به این موضوع، در مرحله اول، مقوله های اصلی و مؤلفه های فرعی بر اساس کدگذاری باز و محوری داده های حاصل از مصاحبه های عمیق و اکتشافی با خبرگان

^۱ . MAXQDA pro12

کلیدی و انجام پالایش کدهای مفهومی ارائه می‌گردد. بر این اساس برای انجام کدگذاری باز و محوری در مرحله اول، داده‌ها در سطح جمله و عبارت برای هر یک از مصاحبه‌ها موردبررسی قرار گرفت و کدهای مفهومی از رونوشت مصاحبه‌ها استخراج شدند. در مرحله‌ی بعدی با انجام پالایش و عمل کاهش، این مؤلفه‌ها در قالب مقوله‌های فرعی سازمان‌دهی و با بررسی مستمر نام‌گذاری شدند. به‌منظور اطمینان از سازمان‌دهی مناسب هر یک از مفاهیم و مقولات، مجدداً رونوشت مصاحبه‌ها واریسی شد؛ و با مرور این مقوله‌ها به‌منظور رسیدن به اشباع منطقی برای مقوله‌های اصلی و مقوله‌های فرعی صورت گرفت. کدگذاری باز و محوری، زمانی متوقف گردید که یک طبقه‌بندی معنا دار پس از چندین بررسی درباره رونوشت مصاحبه‌ها حاصل شد. به‌طور کلی از تحلیل داده‌های کیفی پژوهش در مرحله کدگذاری ۳۸۵، کدهای مفهومی اولیه حاصل شد. پس از بررسی و مطابقت این کدها و حذف کدهای تکراری، کدهای مشترک احصا گردید، نحوه‌ی کدگذاری مصاحبه‌های ۳۰ نفر از مشارکت‌کنندگان در مصاحبه‌های عمیق و انفرادی را که از متن نمونه مصاحبه‌های استخراج شده‌اند را نشان می‌دهد.

توصیف داده‌ها بر اساس کدگذاری باز

یافته‌های بخش کیفی در قالب یافته‌های حاصل از نتایج کدگذاری با رویکرد تحلیل مضمون و مفاهیم از داده‌ها است. ابتدایی‌ترین کار در این مرحله کدگذاری باز است. بر این اساس مفاهیم مشترک از واحدهای ضبط احصا شد و کدهای مشترک شمارش شد. جدول شماره (۲) فراوانی درصد پاسخ‌دهندگان خبرگان در مصاحبه‌ها به شاخص‌های مدل می‌پردازد.

جدول (۲) شاخص‌های مدل

مقوله اصلی	مقوله های فرعی	کدهای باز
۳ ۴ ۵	عوامل فردی دانش آموزان	شناخت و اطلاعات پایین دانش آموزان از محیط و شرایط تحصیل در مدارس فنی و حرفه ای و کاردانش، فاصله مکانی و زمانی دانش آموزان از مدارس فنی و حرفه ای و کاردانش، ضعف ها و شکست های آموزشی تجربه شده دانش آموزان قبل از حضور در مدارس فنی و حرفه ای و کاردانش، هدایت تحصیلی اجباری برای ورود به مدارس فنی و حرفه ای و کاردانش

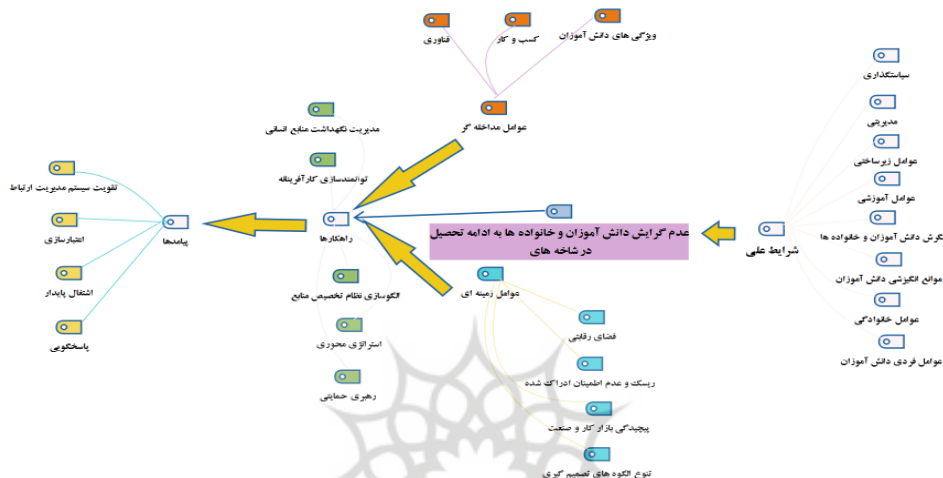
موانع انگیزشی دانش آموزان	احساس ناامیدی و یأس برای حضور در مدارس فنی و حرفه ای و کار دانش، خودباوری پایین، اعتماد به نفس پایین، علاقمند نبودن به آموزش های فنی و مهارتی، احساس عدم توانایی فنی، احساس ناامنی برای حضور در مدارس فنی و حرفه ای و کار دانش، احساس نبود امنیت شغلی بعد از فارغ التحصیلی مدارس فنی و حرفه ای و کار دانش، عدم ریسک پذیری دانش آموزان
عوامل خانوادگی	فقر فرهنگی خانواده ها، فقر مالی خانواده ها، فقر دانشی خانواده ها از مدارس فنی و حرفه ای و کار دانش، عدم حمایت معنوی خانواده ها از دانش آموزان برای حضور در مدارس فنی و حرفه ای و کار دانش، ارتباط پایین خانواده ها با مدارس فنی و حرفه ای و کار دانش، عدم سرمایه گذاری خانواده ها برای دانش آموزانی خود در مدارس فنی و حرفه ای و کار دانش
نگرش دانش آموزان و خانواده ها	نگرش منفی دانش آموزان به مدارس فنی و حرفه ای و کار دانش، نگرش منفی خانواده به مدارس فنی و حرفه ای و کار دانش، عدم اطمینان خانواده ها از آموزش صحیح در مدارس فنی و حرفه ای و کار دانش
عوامل آموزشی	ضعف در برنامه ریزی آموزشی و درسی در مدارس فنی و حرفه ای و کار دانش، عدم بکارگیری روش های تدریس مطلوب در مدارس فنی و حرفه ای و کار دانش، عدم تطبیق محتوای آموزشی مدارس فنی و حرفه ای و کار دانش با دانش لازم در بازار کار، نبود دبیران متخصص در مدارس فنی و حرفه ای و کار دانش، برگزاری پایین کارگاه ها و دوره ها آموزشی برای دبیران و دانش آموزان مدارس فنی و حرفه ای و کار دانش
عوامل زیرساختی	مستهلك بودن وسایل و امکانات کارگاهی مدارس فنی و حرفه ای و کار دانش، فضای آموزشی نامناسب نبود سرویس های ایاب و ذهاب برای حضور دانش آموزان در صنعت، نبود مکان خوابگاهی برای دانش آموزان نیازمند، موقعیت مکانی نامناسب مدارس فنی و حرفه ای و کار دانش
مدیریتی	نبود مشاورین فنی و متخصص در مدارس فنی و حرفه ای و کار دانش، کمبود نیروی انسانی در بخش تدارکات و تکنسین های فنی، عدم تعامل مدیریت مدرسه با نهادهای دولتی و خصوصی، نبود مدیریت کارآمد، پذیرش دانش آموزان غیر مستعد در مدارس فنی و حرفه ای و کار دانش، عدم مدیریت صحیح در استفاده از منابع

	سیاستگذاری	عدم توجه مسئولین عالی به مدارس فنی و حرفه ای و کاردانش، عدم تصویب قوانین حمایتی و اجرای آن در مدارس فنی و حرفه ای و کاردانش، عدم ابلاغ به موقع مصوبه های چشم انداز ۱۴۰۴ در مورد مدارس فنی و حرفه ای و کاردانش، عدم سرمایه گذاری دولت در مدارس فنی و حرفه ای و کاردانش
تدوین الگوی راهبردی گرایش دانش آموزان و خانواده ها	فن آوری	تغییر ویژگی های فن آوری در بازارهای فنی، تغییر در مهارت ها و توانمندی های مورد نیاز دانش آموزان، تغییر در نحوه ارائه خدمات فنی
	کسب و کار	تعاملات خارج از مدرسه و صنعت برای کسب و کار و گرفتن مدرک از صنعت، تأثیر عوامل سیاسی و اجتماعی بر فعالیت های کسب و کار فنی، تنوع و گسترش فعالیت های فنی، ذهنیت های کاذب برای کسب و کار
	ویژگی های دانش آموزان	تجربیات قبلی متفاوت فنی دانش آموزان، دانش های متفاوت دانش آموزان، توقعات فزاینده دانش آموزان و خانواده ها
تدوین الگوی راهبردی گرایش دانش آموزان و خانواده ها	تنوع الگوهای تصمیم گیری	تغییر انتظارات و خواسته های خانواده ها و دانش آموزان، تفاوت های فردی دانش آموزان، عدم تدوین برنامه ریزی درسی به صورت اقتضایی، شناسایی مولفه های تصمیم گیری برای ثبت نام دانش آموزان در مدارس فنی و حرفه ای و کاردانش
	پیچیدگی بازار کار و صنعت	ارزش های متفاوت صنعتی، سود و زیان های کوتاه و بلند مدت در بازار کار
	ریسک و عدم اطمینان ادراک شده	نگرش دانش آموزان و خانواده نسبت به خدمات مدارس فنی و حرفه ای و کاردانش، اعتقادات و هنجارهای ذهنی خانواده ها و جامعه نسبت به مدارس فنی و حرفه ای و کاردانش
	فضای رقابتی	لزوم سرمایه گذاری در کیفیت خدمات مدارس فنی و حرفه ای و کاردانش، تلاش در جهت بهبود و معرفی خدمات مدارس فنی و حرفه ای و کاردانش، حضور فعال مؤسسات خصوصی در بازار کار، تبلیغات برای مدارس فنی و حرفه ای و کاردانش
تدوین الگوی راهبردی گرایش دانش آموزان و خانواده ها	رهبری حمایتی	بورس تحصیلی دانش آموزان مستعد و نیازمند در مدارس فنی و حرفه ای و کاردانش، تسهیلات مالی برای دانش آموزان فنی و حرفه ای و کاردانش، ایجاد فرصت و اولویت جذب در صنعت و شرکت های فنی

	استراتژی محوری	دادن امتیاز ویژه به شرکت های دولتی و خصوصی در مقابل جذب هنرآموزان مدارس فنی و حرفه ای و کاردانش، همراستایی استراتژی صنعت با استراتژی مدارس فنی و حرفه ای و کاردانش، برنامه ریزی و آینده نگری دانش آموزان مدارس فنی و حرفه ای و کاردانش، تأکید بر یادگیری مستمر در بین دانش آموزان فنی و حرفه ای و کاردانش، جذابیت بیشتر تحصیل برای دانش آموزان و خانواده ها در مدارس فنی و حرفه ای و کاردانش، تأکید بر استفاده از پژوهش در مدارس فنی و حرفه ای و کاردانش جهت مطالعات دانش آموزان و خانواده ها
	الگوسازی نظام تخصیص منابع	جذب منابع مالی و فنی برای مدارس فنی و حرفه ای و کاردانش، توانمندسازی مالی مدارس فنی و حرفه ای و کاردانش، تصویب قوانین در راستای حمایت مالی و فنی صنعت از مدارس فنی و حرفه ای و کاردانش
	توانمندسازی کارآفرینانه	برنامه ریزی نظام آموزشی در جهت مطالعه ردیابی فعالیت های کسب و کار دانش آموزان مدارس فنی و حرفه ای و کاردانش، تشویق ایده های خلاقانه کسب درآمد دانش آموزان مدارس فنی و حرفه ای و کاردانش، برپایی دستاوردهای نوآورانه دانش آموزان در مدارس فنی و حرفه ای و کاردانش، ایجاد فرهنگ کارآفرینی در مدارس فنی و حرفه ای و کاردانش
	مدیریت نگهداشت منابع انسانی در مدارس فنی و حرفه ای و کاردانش	افزایش رغبت ماندگاری معلمان و مشاورین فنی متخصص در مدارس فنی و حرفه ای و کاردانش، ارزیابی شایسته عملکرد دبیران در مدارس فنی و حرفه ای و کاردانش جهت توانمندسازی، ارزیابی شایسته عملکرد مدیران در مدارس فنی و حرفه ای و کاردانش جهت توانمندسازی جهت ایجاد مدیریت حرفه ای
	پاسخگویی	ارتقاء پاسخگویی مطلوب دولت نسبت به مدارس فنی و حرفه ای و کاردانش، جلوگیری از رویگردانی دانش آموزان و خانواده و توجه جهت ثبت نام در مدارس فنی و حرفه ای و کاردانش، ایجاد انگیزه و رغبت دانش آموزان و خانواده آن ها برای ورود به مدارس فنی و حرفه ای و کاردانش
توسعه	اشتغال پایدار	ارزش آفرینی برای هنرآموزان مدارس فنی و حرفه ای و کاردانش، درآمدزایی برای دانش آموزان مدارس فنی و حرفه ای و کاردانش، حفظ روابط پایدار بین مدارس فنی و حرفه ای و کاردانش و صنعت جهت بازدید مکرر، ترغیب دانش آموزان توانمند برای حضور و کارورزی در محیط های کسب و کار
	اعتبارسازی (برند سازی) مدارس فنی و حرفه ای و کاردانش	زمینه سازی برای ایجاد اطمینان خانواده ها به آموزش ها در مدارس فنی و حرفه ای و کاردانش، هم سویی سازماندهی آموزش ها با نیازها و انتظارات بازار، تقویت جایگاه مدارس و دانش آموزان فنی و حرفه ای و کاردانش

تقویت سیستم مدیریت ارتباط با دانش آموزان و خانواده آن ها	حفظ آمادگی دانش آموزان در مدارس فنی و حرفه ای و کاردانش، ارتباط مستمر خانواده ها و همسالان دانش آموزان با مدارس فنی و حرفه ای و کاردانش، وفاداری دانش آموزان و خانواده آن ها در جهت حمایت از مدارس فنی و حرفه ای و کاردانش
--	--

مدل پارادایمی پژوهش در محیط نرم افزار مکس کیودا به صورت ذیل ارائه می گردد.



شکل (۲) مدل پارادایمی پژوهش در محیط نرم افزار مکس کیودا

در بخش دوم یافته ها، ابتدا آمار توصیفی متغیرهای پژوهش بررسی شده است. و در ادامه اعتبارسنجی الگوی پژوهش مشخص گردید.

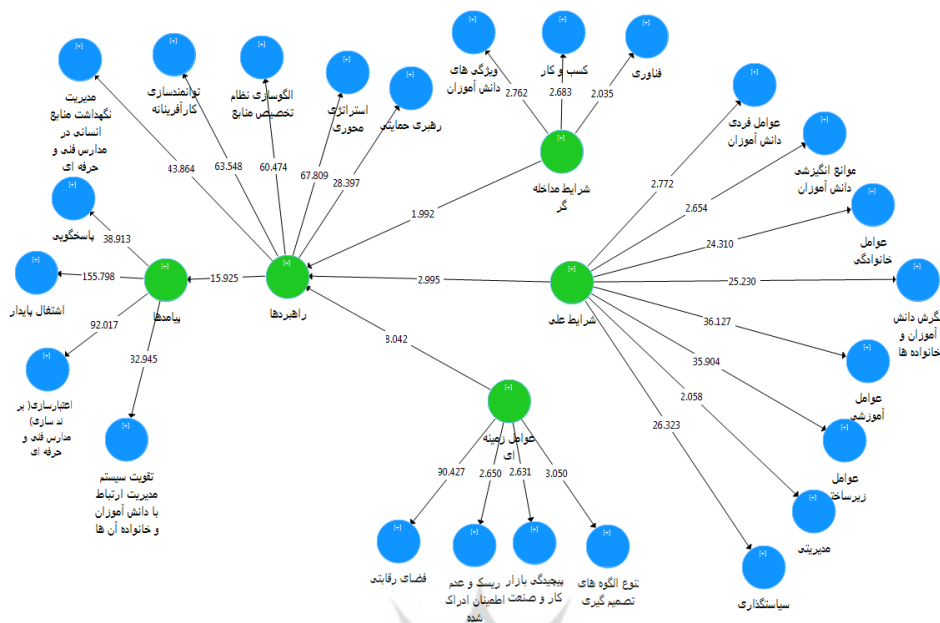
جدول (۳) آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

مقوله اصلی	مولفه ها	میانگین	انحراف از معیار
شرایط علی	عوامل فردی دانش آموزان	۹.۶۵۷۱	۲.۶۰۷۳۲
	موانع انگیزشی دانش آموزان	۱۹.۹۱۱۰	۵.۳۸۹۰۶
	عوامل خانوادگی	۱۳.۵۲۰۹	۴.۲۲۳۲۱
	نگرش دانش آموزان و خانواده ها	۶.۳۷۹۶	۲.۵۰۳۵۲
	عوامل آموزشی	۱۲.۳۰۱۰	۴.۰۳۳۴۵
	عوامل زیرساختی	۱۲.۱۱۲۶	۳.۸۷۳۳۸
	مدیریتی	۱۴.۱۱۷۸	۴.۱۷۰۸۰
	سیاستگذاری	۸.۷۰۶۸	۳.۰۰۰۹۵
	تنوع الگوهای تصمیم گیری	۸.۹۴۷۶	۲.۳۶۱۶۳

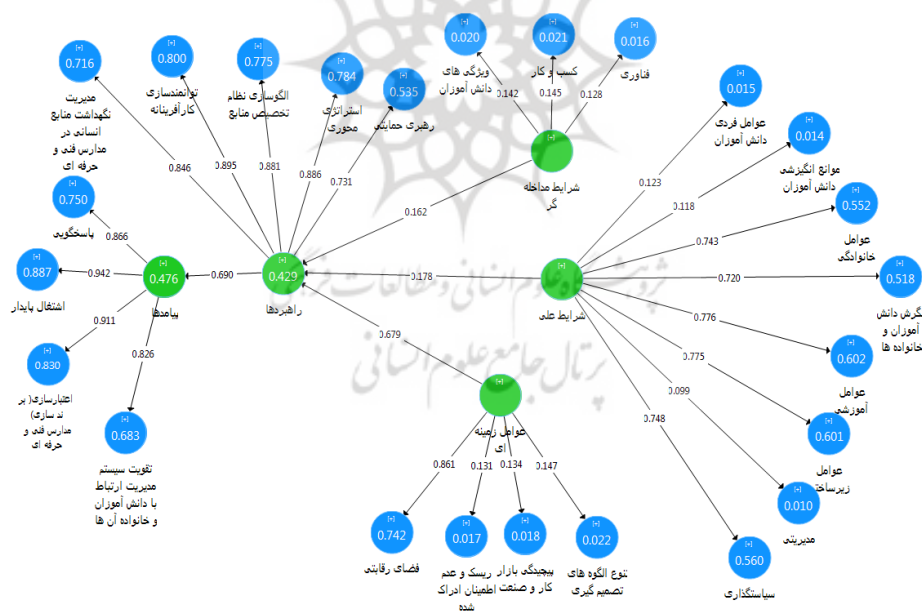
۱.۴۷۱۲۹	۴.۷۰۹۴	پیچیدگی بازار کار و صنعت	عوامل زمینه ای
۱.۴۸۱۷۷	۴.۱۸۰۶	ریسک و عدم اطمینان ادراک شده	
۲.۷۶۲۹۱	۸.۳۶۳۹	فضای رقابتی	
۱.۸۱۳۵۹	۱۰.۰۴۷۱	فن آوری	شرایط مداخله گر
۲.۳۷۸۲۳	۱۱.۱۱۵۲	کسب و کار	
۱.۴۹۷۷۳	۱۰.۷۹۳۲	ویژگی های دانش آموزان	
۱.۹۵۹۰۶	۶.۹۵۵۵	رهبری حمایتی	راهنماها
۴.۲۲۰۳۰	۱۲.۰۱۰۵	استراتژی محوری	
۲.۳۱۴۴۸	۵.۹۴۷۶	الگوسازی نظام تخصیص منابع	
۲.۸۹۴۳۹	۷.۹۷۹۱	توانمندسازی کارآفرینانه	
۲.۳۲۴۵۱	۵.۹۷۱۲	مدیریت نگهداشت منابع انسانی در مدارس فنی و حرفه ای	
۲.۶۱۸۳۲	۶.۲۹۸۴	پاسخگویی	پیامدها
۲.۹۸۱۸۴	۸.۰۶۰۲	اشتغال پایدار	
۲.۳۱۲۹۵	۵.۹۵۵۵	اعتبارسازی (برند سازی) مدارس فنی و حرفه ای	
۲.۲۷۷۴۷	۶.۱۳۳۵	تقویت سیستم مدیریت ارتباط با دانش آموزان و خانواده آن ها	

در این پژوهش به منظور بررسی اعتبار متغیرهای پژوهش و ابعاد آنها از شیوه تحلیل عاملی تأییدی و استفاده شده است. که ابتدا بار عاملی متغیرهای پژوهش مورد بررسی قرار گرفت و در ادامه روابط بین متغیرها مورد تأیید نشان داده شد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی



شکل (۳) مدل بوت استرپ (مقادیر T_value) اصلی



شکل (۴) مدل الگوریتم (مقادیر ضریب مسیر) اصلی

جدول (۴) پایایی و روایی مدل اصلی

متغیر	آلفای کرونباخ	پایایی ترکیبی	روایی همگرا
استراتژی محوری	۰.۸۳۹	۰.۸۸۲	۰.۵۵۴
اشتغال پایدار	۰.۸۱۹	۰.۸۸۱	۰.۶۴۹
اعتبارسازی (برند سازی) مدارس فنی و حرفه ای	۰.۸۰۳	۰.۸۸۴	۰.۷۱۷
الگوسازی نظام تخصیص منابع	۰.۸۰۵	۰.۸۸۵	۰.۷۲۰
تقویت سیستم مدیریت ارتباط با دانش آموزان و خانواده آن ها	۰.۷۶۵	۰.۸۶۴	۰.۶۸۰
تنوع الگوهای تصمیم گیری	۰.۹۱۲	۰.۹۳۷	۰.۷۸۸
توانمندسازی کارآفرینانه	۰.۷۸۷	۰.۸۶۲	۰.۶۱۱
راهبردها	۰.۸۶۳	۰.۹۰۴	۰.۶۶۳
رهبری حمایتی	۰.۷۵۲	۰.۸۵۷	۰.۶۶۷
ریسک و عدم اطمینان ادراک شده	۰.۸۶۹	۰.۹۳۳	۰.۸۷۵
سیاستگذاری	۰.۸۰۱	۰.۸۷۰	۰.۶۲۷
شرایط علی	۰.۸۷۶	۰.۹۰۲	۰.۵۳۹
شرایط مداخله گر	۰.۷۴۶	۰.۸۰۶	۰.۵۸۲
عوامل آموزشی	۰.۸۱۰	۰.۸۶۸	۰.۵۶۹
عوامل خانوادگی	۰.۸۰۶	۰.۸۶۰	۰.۵۰۸
عوامل زمینه ای	۰.۷۹۵	۰.۸۶۳	۰.۶۱۳
عوامل زیرساختی	۰.۷۹۶	۰.۸۶۰	۰.۵۵۱
عوامل فردی دانش آموزان	۰.۹۱۲	۰.۹۳۷	۰.۷۸۹
فضای رقابتی	۰.۷۲۱	۰.۸۲۷	۰.۵۴۵
فن آوری	۰.۸۰۷	۰.۸۴۴	۰.۶۵۷
مدیریت نگهداشت منابع انسانی در مدارس فنی و حرفه ای	۰.۷۸۳	۰.۸۷۴	۰.۶۹۸
مدیریتی	۰.۸۸۹	۰.۹۱۴	۰.۶۴۱
موانع انگیزشی دانش آموزان	۰.۹۲۶	۰.۹۳۷	۰.۶۵۳
نگرش دانش آموزان و خانواده ها	۰.۷۹۸	۰.۸۸۲	۰.۷۱۳
ویژگی های دانش آموزان	۰.۸۳۵	۰.۸۹۹	۰.۷۴۹
پاسخگویی	۰.۸۰۴	۰.۸۸۵	۰.۷۲۰
پیامدها	۰.۹۰۸	۰.۹۳۶	۰.۷۸۶
پیچیدگی بازار کار و صنعت	۰.۷۶۱	۰.۸۷۲	۰.۷۷۶
کسب و کار	۰.۷۵۹	۰.۸۳۷	۰.۵۶۹

بحث و نتیجه گیری

یکی از مواردی که تبیین آن ضروری به نظر می‌رسد، شناسایی موانع احتمالی جذب و گرایش دانش آموزان و خانواده ها به دوره های فنی حرفه ای و کاردانش و تلاش برای برطرف کردن آنها در دولت و مدارس فنی و حرفه ای است. در این زمینه، دامنه مطالعات و دیدگاه‌های انجام شده بسیار محدود است. در واقع رفع موانع جذب و گرایش دانش آموزان و خانواده ها به دوره های فنی حرفه ای و کاردانش از طرفی باعث ایجاد انگیزه و نگرش مثبت به مدارس فنی حرفه ای و کاردانش می‌شود و از طرفی دیگر مسئولیت‌پذیری، ارتقای کیفیت آموزش و مهارت برای آن ها را در بر دارد، که این توانمندی‌ها می‌تواند از منفعل بودن آنها جلوگیری کند. از این رو سزاوار است که در جذب دانش آموزان مستعد و علاقمند به این مدارس بیشتر سرمایه‌گذاری شود.

عوامل علی شامل: الف عوامل فردی دانش آموزان، ب) موانع انگیزشی، ج) عوامل خانوادگی، د) نگرش دانش آموزان و خانواده ها، ه) عوامل آموزشی، م) عوامل زیرساختی، س) سیاستگذاری، ک) عوامل مدیریتی است. در تبیین عوامل علی برای جذب و گرایش دانش آموزان و خانواده ها به دوره های فنی حرفه ای و کاردانش عامل علاقمندی احساس توانایی مهارتی بیشتر اهمیت پیدا می‌کند. هنرآموزان باید بدانند آموزش فنی و حرفه ای به عنوان آموزش مهارتی تلقی و مولد یا کار مولد مفید اجتماعی شناخته می‌شود. هدف اصلی آموزش مهارتی کمک به هنرآموزان در ایجاد کارایی در کارهایشان است. کارها در این مورد نه تنها شامل انجام وظایف شغلی می‌شود، بلکه افراد می‌توانند نیازها و نیازهای خود را برآورده و شرایط زندگی خود را به‌طور مناسب حفظ و این از طریق کسب این آموزش است که افراد می‌توانند فرصت های شغلی بیشتری را برای خود ایجاد و برای به دست آوردن فرصت های شغلی بهتر، استفاده مؤثر از دانش، مهارت ها و توانایی های افراد ضروری است. عوامل مداخله گر شامل: الف) فن آوری، شامل تغییر ویژگی های فن آوری در بازارهای فنی، تغییر در مهارت ها و توانمندی های مورد نیاز دانش آموزان، تغییر در نحوه ارائه خدمات فنی، ب) کسب و کار که شامل تعاملات خارج از مدرسه و صنعت برای کسب و کار و گرفتن مدرک از صنعت، تأثیر عوامل سیاسی و اجتماعی بر فعالیت های کسب و کار فنی، تنوع و گسترش فعالیت های فنی، ذهنیت های کاذب برای کسب و کار، ج) ویژگی

های دانش آموزان که شامل تجربیات قبلی متفاوت فنی دانش آموزان، دانش های متفاوت دانش آموزان، توقعات فزاینده دانش آموزان و خانواده ها می شود. در مورد کسب و کار، طراحی مدیریت گرایش و جذب دانش آموزان فنی و حرفه ای و کاردانش در محیط های کسب و کار مستلزم ایجاد عوامل سازمانی برای مدیریت جذب است. یکی از مواردی که توسط بیشتر پاسخ دهندگان مطرح شده عدم برنامه مدارس فنی و حرفه ای و تفکر استراتژیک در حوزه مدیریت جذب دانش آموزان فنی و حرفه ای و کاردانش در محیط های کسب و کار است. این نشان می دهد که یک سیستم مدیریت جذب دانش آموزان وقتی موفق بوده و عملی خواهد شد که توجه به استعدادهای هنر آموزان در برنامه های مدارس فنی و حرفه ای باشد. برای جذب دانش آموزان در مدارس فنی و حرفه ای و کاردانش، فرهنگ مشارکت لازم است. یعنی درک ارزش ها، باورها و هنجارهای گرایش و اثربخش کردن حضور دانش آموزان فنی و حرفه ای در محیط درونی و بیرونی. بنابراین شناسایی هنجارها، رفتارها، کنش ها و واکنش های افراد در جامعه و خانواده ها ضروری است.

عوامل زمینه ای شامل: الف) تنوع الگوهای تصمیم گیری، ب) پیچیدگی بازار کار و صنعت، ج) ریسک و عدم اطمینان ادراک شده، د) فضای رقابتی و تبلیغات برای مدارس فنی و حرفه ای و کاردانش است. تنوع الگوهای تصمیم گیری که شامل تغییر انتظارات و خواسته های خانواده ها و دانش آموزان، تفاوت های فردی دانش آموزان، عدم تدوین برنامه ریزی درسی به صورت اقتضایی، شناسایی مولفه های تصمیم گیری برای ثبت نام دانش آموزان در مدارس فنی و حرفه ای و کاردانش؛ پیچیدگی بازار کار و صنعت که شامل ارزش های متفاوت صنعتی، سود و زیان های کوتاه و بلند مدت در بازار کار؛ ریسک و عدم اطمینان ادراک شده که شامل نگرش دانش آموزان و خانواده نسبت به خدمات مدارس فنی و حرفه ای و کاردانش، اعتقادات و هنجارهای ذهنی خانواده ها و جامعه نسبت به مدارس فنی و حرفه ای؛ فضای رقابتی که شامل لزوم سرمایه گذاری در کیفیت خدمات مدارس فنی و حرفه ای و کاردانش، تلاش در جهت بهبود و معرفی خدمات مدارس فنی و حرفه ای و کاردانش، حضور فعال مؤسسات خصوصی در بازار کار، تبلیغات برای مدارس فنی و حرفه ای و کاردانش می شود. در تبیین عوامل زمینه ای، عدم آگاهی به عنوان یکی از عواملی تلقی می شود که نه تنها بهره وری، بلکه مدیریت سازمان را نیز مختل می کند. هنر آموزان و خانواده

آن ها باید از همه زمینه ها اعم از بیرونی و درونی مدارس فنی و حرفه ای و کار دانش آگاه باشند. این امری حیاتی است که جدای از وظایف کاری، برای کسب دانش در زمینه های مختلف تحقیق کنند و این ناآگاهی از طریق تبلیغات صحیح قابل بررسی است و نگرانی های آن ها کاهش پیدا می کند. در مورد فضای رقابتی که در آن خدمات مدارس فنی و حرفه ای معرفی می شود و تأکید بر توانمند سازی می شود. توانمند سازی فرایندی است که جامعه و خانواده به کار می گیرند تا دانش آموزان را به استفاده از مهارت ها، توانایی ها و خلاقیت و نوآوری تشویق کنند. توانمند سازی دانش آموزان به این موضوع استناد می کند که آن ها در هنرستان های فنی و حرفه ای بیشتر و بهتر می توانند مهارت ها و خلاقیت هایشان را بروز دهند.

راهبردهای اساسی شامل: الف) راهبردهای رهبری حمایتی، ب) استراتژی محوری، ج) الگو سازی نظام تخصصی، د) توانمند سازی کارآفرینانه، ه) مدیریت نگهداشت منابع انسانی در مدارس فنی و حرفه ای و کار دانش راه حل هایی جهت الگوی جذب و اثرگذاری دانش آموختگان مدیریت آموزش عالی در نظام حکمرانی آموزش عالی هستند. رهبری حمایتی شامل بورس تحصیلی دانش آموزان مستعد و نیازمند در مدارس فنی و حرفه ای و کار دانش، تسهیلات مالی برای دانش آموزان فنی و حرفه ای و کار دانش، ایجاد فرصت و اولویت جذب در صنعت و شرکت های فنی، استراتژی محوری شامل دادن امتیاز ویژه به شرکت های دولتی و خصوصی در مقابل جذب هنرآموزان مدارس فنی و حرفه ای و کار دانش، همراهی استراتژی صنعت با استراتژی مدارس فنی و حرفه ای و کار دانش، برنامه ریزی و آینده نگری دانش آموزان مدارس فنی و حرفه ای و کار دانش، تأکید بر یادگیری مستمر در بین دانش آموزان فنی و حرفه ای و کار دانش، جذابیت بیشتر تحصیل برای دانش آموزان و خانواده ها در مدارس فنی و حرفه ای و کار دانش، تأکید بر استفاده از پژوهش در مدارس فنی و حرفه ای و کار دانش جهت مطالعات دانش آموزان و خانواده ها، الگو سازی نظام تخصصی منابع که شامل جذب منابع مالی و فنی برای مدارس فنی و حرفه ای و کار دانش، توانمند سازی مالی مدارس فنی و حرفه ای و کار دانش، تصویب قوانین در راستای حمایت؛ توانمند سازی کارآفرینانه که شامل برنامه ریزی نظام آموزشی در جهت مطالعه ردیابی فعالیت های کسب و کار دانش آموزان مدارس فنی و حرفه ای و کار دانش، تشویق ایده های

خلاقانه کسب درآمد دانش‌آموزان مدارس فنی و حرفه ای و کاردانش، برپایی دستاوردهای نوآورانه دانش‌آموزان در مدارس فنی و حرفه ای و کاردانش، ایجاد فرهنگ کارآفرینی در مدارس فنی و حرفه ای و کاردانش؛ مدیریت نگهداشت منابع انسانی در مدارس فنی و حرفه ای و کاردانش شامل افزایش رغبت ماندگاری معلمان و مشاورین فنی متخصص در مدارس فنی و حرفه ای و کاردانش، ارزیابی شایسته عملکرد دبیران در مدارس فنی و حرفه ای و کاردانش جهت توانمندسازی، ارزیابی شایسته عملکرد مدیران در مدارس فنی و حرفه ای و کاردانش جهت توانمندسازی جهت ایجاد مدیریت حرفه ای می شود.

پیامدهای حاصل از راهبردها شامل: الف) پاسخ گویی، ب) اشتغال پایدار، ج) اعتبار سازی (برند سازی) مدارس فنی و حرفه ای، د) کاردانش تقویت سیستم مدیریت ارتباط با دانش آموزان و خانواده است. در تبیین نتایج توجه به اهمیت اکوسیستم جذب و ارتباط هنرآموزان در بازار کار است. مشارکت‌های مدارس فنی و حرفه ای و بازار کار عامل موفقیت اصلی برای سیستم‌های توسعه نیروی کار است. ارتباط تقاضای بازار کار، یعنی کارفرمایان و کارآفرینان با طرف عرضه، یعنی یادگیرندگان توسعه نیروی کار را نتیجه می دهد. توسعه مشارکت های چندگانه یکی از عواملی است که منابع مدارس فنی و حرفه ای و بازار کار را گرد هم می آورد که به عنوان پایدارترین رویکرد در طرح های توسعه نیروی کار در نظر گرفته می شود. هم چنین یکی از مهم ترین مزایای مشارکت‌های مدارس فنی و حرفه ای و بازار کار این است که افراد می توانند اطلاعات کارآمدی را در مورد راه‌هایی که برای برآورده کردن نیازهای افراد دیگر، به ویژه فراگیران، باید اجرا کنند، به دست می آورند. تامین مالی پایدار، تامین مالی ضروری تلقی می شود، به ویژه زمانی که تکنیک ها و رویکردهای نوین و نوآورانه برای اجرا مورد نیاز است. هنگامی که هر نوع تغییر و تحولی ایجاد می شود، باید اطمینان حاصل شود که منابع مالی به اندازه کافی در دسترس است. رهبری و پاسخگویی در هنرستان های فنی و حرفه ای، وظیفه مربیان و مدیران این است که همه راهبردها و رویکردهایی را که آگاهی از آن ها ضروری است به دانش آموزان منتقل کنند. علاوه بر اطلاع رسانی به هنرآموزان در تمامی زمینه ها و اطلاعات که از نظر رویکردها لازم است انجام شود. رهبران کارکردهای مدیریتی برنامه ریزی، سازماندهی، کادر سازی، رهبری، هماهنگی و کنترل را به نحوی مناسب به اجرا درآورند. رهبران باید تصمیمات مؤثری اتخاذ کنند که برای

همه اعضای مدارس فنی و حرفه ای در کوتاه مدت و بلندمدت مفید باشد. هم سویی با نیاز ها از پیامدهای برندسازی و اعتبارسازی به این اشاره دارد که اگر فردی در یک برنامه آموزشی خاص با هدف اصلی ارتقای یک مهارت یا توانایی خاص ثبت نام شده باشد، اطمینان از آن حیاتی است، به ویژه زمانی که تدوین برنامه درسی و روش های آموزشی صورت می گیرد. هماهنگ کننده کارآموزی مسئولیت دارد که مستقیماً با حامیان مالی محلی در حفظ برنامه های آموزشی کارآموزی هنرآموزان کار کند. هماهنگ کننده هم چنین به حامیان مالی مورد نیاز در تدوین برنامه های کارآموزی کمک می کند. طول برنامه کارآموزی به پیچیدگی های مرتبط با مشاغل بستگی دارد. آموزش حین کار و آموزش کلاسی روش هایی هستند که عمدتاً در برنامه های کارآموزی مورد استفاده قرار می گیرند.

و در نهایت با توجه به مقادیر جداول پژوهش و شاخص های اعتبار همگرا و ممیز مدل پیشنهادی در تمامی ابعاد عوامل علی، مداخله ای، زمینه ای، استراتژی و پیامد از اعتبار کافی برخوردار بوده و دارای برازش مناسب می باشد. نتایج پژوهش با در نظر گرفتن عوامل مداخله گر که تأکید بر عوامل فن آوری شده است با پژوهش های ایندرانتا و سوکاردی (۲۰۲۳) که تأکید بر پیشرفت های فن آوری برای یادگیری در هنرستان ها داشته هم سو بوده است، با توجه به یافته های پژوهشی در مولفه های آموزشی و فضای رقابتی که تأکید بر بروز بودن آموزش و توجه به شرایط بازار و صنعت و نیازهای آن ها با پژوهش فوزان (۲۰۲۳) که اشاره به روند واقعی سازی و مقایسه دانش نظری و شرایط واقعی داشته اند و خارنیوان (۲۰۲۱) که تطبیق برنامه با دنیای واقعی اشاره نموده هم سو می باشد، با توجه به یافته های پژوهش در مولفه های کسب و کار و اشتغال پایدار که تأکید بر نزدیکی و انجام فعالیت دانش آموزان در صنعت می باشد با پژوهش پلیز (۲۰۲۲) که تأکید بر یادگیری در محل کار داشته اند هم سو می باشد، با توجه به یافته های مؤلفه های عوامل آموزشی و خانواده که بر آمادگی دانش آموزان برای حضور در مدارس فنی و حرفه ای شده با نتایج پژوهش ایسا و همکاران (۲۰۲۱) که اشاره به آماده سازی دانش آموزان داشته هم سویی وجود دارد، و هم چنین به عوامل اساسی یافته های پژوهش که تأکید بر ارتباط با صنعت شده با نتایج پژوهش های پارپاندو و هارجانتو (۲۰۲۰) که اشاره به مقررات روشن در نقش صنعت داشته و پژوهش ساندرا (۲۰۱۹) که اشاره به بهینه سازی همکاری با صنعت داشته هم

سویی دارد و نتایج پژوهش بر اساس مؤلفه های استخراج شده برای جذب دانش آموزان با عامل مهم خانواده با پژوهش های مهرابی (۱۴۰۲)، بریچی (۱۴۰۱) و قاسمی (۱۳۹۹) که به وضعیت های اجتماعی و اقتصادی خانواده ها و توقعات آن ها اشاره داشته هم سو می باشد.

پیشنهادهای کاربردی

۱. با توجه به مقوله توانمندسازی کارآفرینانه پیشنهاد می شود دستاوردهای نوآورانه دانش آموزان در مدارس فنی و حرفه ای و کاردانش در هفته مشاغل، توسط مشاور و مدیر مدارس فنی و حرفه ای و کاردانش برای علاقه مندی و کشف استعداد های پنهان هنرآموزان برپا شود.

۲. با توجه به مقوله استراتژی محوری پیشنهاد می شود مدیران مناطق و مدارس در برنامه های کاری خود بازدید مستمر از صنعت، کارخانجات و مراکز علمی و فن آوری قرار دهند.

۳. با توجه به مقوله رهبری حمایتی پیشنهاد می شود دولت دانش آموزان مستعد و علاقمند که به دلیل مشکلات مالی و ذهنی از مدارس فنی و حرفه ای و کاردانش دوری کرده اند، جذب و بورس تحصیلی دریافت کنند.

۴. سیاستمداران و مدیران جهت بهبود و ارتقای فرهنگ کارآفرینی و ارزش گذاری اجتماعی کارآفرینی در جامعه و مدارس باید با ارائه برنامه های کارا به بهبود هنجارهای ذهنی و کنترل رفتاری درک شده هنرجویان، کمک کند.

۵. مدیران عالی و میانی با به کار گرفتن روش هایی مانند دعوت از کارآفرینان در صنعت و برگزاری نشست های پرسش و پاسخ یا کارگاه های آموزشی با آنان به بهبود نگرش و خودکارآمدی هنرآموزان در زمینه ارتباط پایدار با صنعت و محیط کسب و کار کمک کند .

۶. با استفاده از روش های ارزشیابی مناسب از یادگیری دانش آموزان هنرستان های فنی و حرفه ای و کاردانش و استقرار سیستم مناسب ارزیابی عملکرد کارکنان و مدیران انجام شود.

فهرست منابع:

۱. ۱-ابوزید، رضا(۱۳۹۷). فنی حرفه ای، چالش ها و چشم انداز ها، مجله رشد.
۲. ۲-اسعدی، سها(۱۴۰۱). تأثیر نگرش به آموزش کارآفرینی و محیط کارآفرینی بر تمایل به کارآفرینی با در نظر گرفتن نقش میانجی انگیزه های کارآفرینی، رساله دکتری کارآفرینی، دانشگاه خوارزمی.
۳. ۳-بریحی، سهیلا(۱۴۰۱). شناسایی راه های ترغیب دانش آموزان دختر به رشته های کاردانش و فنی و حرفه ای شهر آبادان، پایان نامه کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی، مؤسسه آموزش عالی مهر اروند
۴. ۴-قاسمی موقر، حمیدرضا(۱۳۹۹). نگرش سنجی جوانان ۶۱ تا ۶۱ ساله شهر تهران در خصوص رشته های مهارتی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور غرب تهران.
۵. ۵-مهرابی، محمدعلی(۱۴۰۲). مطالعه کیفی دلایل عدم استقبال دانش آموزان جهت تحصیل در مدارس فنی حرفه ای و کاردانش، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته روانشناسی، مؤسسه غیردولتی طلوع مهر.

6. Aisah, I., Achmad, A., Khoeriah, N. D., & Sudrajat, A. (2021). Management of infrastructure in improving the quality of vocational high school graduates. *Journal of Industrial Engineering & Management Research*, 2(4), 172-189.
7. Al-Saaideh, M. I. A. (2016). Reasons for Avoidance of Vocational Education in Jordan. *Educational Research and Reviews*, 11(11), 1064-1084.
8. Ayub, H. (2017). Parental influence and attitude of students towards technical education and vocational training. *International Journal of Information and Education Technology*, 7(7), 534-538.
9. Aziz, S. N. B. A., & binti Zulkifli, N. (2020). Pull and Push Factors of Students' Enrolment in the TVET Programme at Community College in Malaysia. *Journal of Technical Education and Training*, 12(1).
10. Bai, B., & Wu, Q. (2019). Technical and vocational education and training in Myanmar. *Vocational education and training in ASEAN member states: Current status and future development*, 133-153.
11. Baena-Morales, S., Prieto-Ayuso, A., Merma-Molina, G., & González-Villora, S. (2024). Exploring physical education teachers' perceptions of sustainable development goals and education for sustainable development. *Sport, Education and Society*, 29(2), 162-179.
12. Davis, C., & Parmenter, L. (2021). Student-staff partnerships at work: epistemic confidence, research-engaged teaching and vocational

- learning in the transition to higher education. *Educational Action Research*, 29(2), 292-309.
13. Deebom, M. T. (2019). Developing the Youth through Technical Vocational Education and Training for Sustainable Development in Nigeria. *Asian Journal of Education and Social Studies*, 1-9.
 14. Epstein, J. (2018). School, family, and community partnerships, student economy edition: Preparing educators and improving schools. Routledge.
 15. Fauzan, A., Triyono, M. B., Hardiyanta, R. A. P., Daryono, R. W., & Arifah, S. (2023). The Effect of Internship and Work Motivation on Students' Work Readiness in Vocational Education: PLS-SEM Approach. *Journal of Innovation in Educational and Cultural Research*, 4(1), 26-34.
 16. Fejes, A., Nylund, M., & Wallin, J. (2019). How do teachers interpret and transform entrepreneurship education? *Journal of Curriculum Studies*, 51(4), 554-566.
 17. Galvao, A., Marques, C. S., & Marques, C. P. (2018). Antecedents of entrepreneurial intentions among students in vocational training programmes. *Education + Training*, 60(7/8), 719-734.
 18. Gottfried, M., Owens, A., Williams, D., Kim, H. Y., & Musto, M. (2017). Friends and family: A literature review on how high school social groups influence advanced math and science coursetaking. *Education Policy Analysis Archives*, 25(62), 26-48.
 19. Hariyanto, V. L., Daryono, R. W., Hidayat, N., Prayitno, S. H., & Nurtanto, M. (2022). A framework for Graduates: A Comparative Study of Three Education Systems in Central Europe. *Journal of Vocational*.
 20. Hoidn, S., & Šťastný, V. (2023). Labour market success of initial vocational education and training graduates: a comparative study of three education systems in Central Europe. *Journal of Vocational Education & Training*, 75(4), 629-653.
 21. Hussain, M. A. M., Zulkifli, R. M., Kamis, A., Threton, M. D., & Omar, K. (2021). Industrial Engagement in the Technical and Vocational Training (TVET) System. *International Journal of Learning, Teaching*.
 22. Indana, L., & Soenarto, S. (2019). Vocational career center as the bridge between industry and vocational high school graduates. *Jurnal Pendidikan Teknologi dan Kejuruan*, 25(2), 219-228.
 23. Inderanata, R. N., & Sukardi, T. (2023). Investigation study of integrated vocational guidance on work readiness of mechanical engineering vocational school students. *Heliyon*, 9(2).
 24. Indrawati, S. M., & Kuncoro, A. (2021). Improving competitiveness through vocational and higher education: Indonesia's vision for human

- capital development in 2019–2024. *Bulletin of Indonesian Economic Studies*, 57(1), 29-59.
25. Katam, E., & Otieno, D. (2021). A Review Of Technical and Vocational Education and Training Institutions Online Learning as A Response to Corona -VirusI Disease 2019 in Kenya. *The Kenya Journal of Technical and Vocational Education and Training*, 96.
 26. Kapur, R. (2018). Technical and Vocational Education and Training.
 27. Khasawneh, M. A. (2024). The challenges facing vocational education online from the teachers' perspectives. *Journal of Curriculum and Teaching*, 13(2), 180.
 28. Khurniawan, A. W., Sailah, I., Muljono, P., Indriyanto, B., & Maarif, M. S. (2021). The Improving of Effectiveness School-Based Enterprise: A Structural Equation Modeling in Vocational School Management. *International Journal of Evaluation and Research in Education*, 10(1), 161-173.
 29. Kurniawan, R., Jaedun, A., Mutohhari, F., & Kusuma, W. M. (2021). The absorption of vocational education graduates in the automotive sector in the industrial world. *Journal of Education Technology*, 5(3), 482-490.
 30. Mack, A. J., White, D., & Senghor, O. (2019). An insight into entrepreneurship education practices in Technical and Vocational Education and Training institutions. *Journal of Global Entrepreneurship Research*, 9, 1-15.
 31. McGrath, S., & Yamada, S. (2023). Skills for development and vocational education and training: Current and emergent trends. *International Journal of Educational Development*, 102, 102853.
 32. Mishra, P. (2019). Considering contextual knowledge: The TPACK diagram gets an upgrade. *Journal of Digital Learning in Teacher Education*, 35(2), 76–78.
 33. Peters G (2018). *Policy Problems and Policy Design*, Edward Elgar Publishing, UK. Steiner-Khamisi G, UK.
 34. Peters, J. H. (2021). The importance of vocational training for career development. *EHL Insights*.
 35. Rosina, H., Virgantina, V., Ayyash, Y., Dwiyantri, V., & Boonsong, S. (2021). Vocational education curriculum: Between vocational education and industrial needs. *ASEAN Journal of Science and Engineering Education*, 1(2), 105-110.
 36. Sandra, L., Poirier, M., & Remsen, A. (2019). Technical & vocational education & training: thriving in challenging times. *Technical & vocational education & training in developing nations*. US: IGI Global, 284-310.
 37. Scheuch, I., Gessler, M., Bohlinger, S., Zlatkin-Troitschanskaia, O., Greppmair, A. C., Toepper, M., ... & Kühling-Thees, C. (2021).

- Research on the Internationalization of Vocational Education and Training: Current State and Future Perspectives.
38. Schönstein, R. F., & Budke, A. (2024). Teaching action competence in Education for Sustainable Development-A qualitative study on teachers' ideas, opinions, attitudes and selfconceptions. In *Frontiers in Education* (Vol. 8, p. 1256849). Frontiers.
 39. Soeharso, S. Y., & Riyanti, B. P. D. (2021). The Intentions To Become Entrepreneurs In the Indonesian Vocational School Graduates. *Academy of Entrepreneurship Journal*, 27(5), 1-5.
 40. Sudana, I. M., Apriyani, D., & Nurmasitah, S. (2019). Revitalization of vocational high school roadmap to encounter the 4.0 industrial revolution. *The Journal of Social Sciences Research*, 5(2), 338-342.
 41. Widayanto, L. D., Soeharto, S., Sudira, P., Daryono, R. W., & Nurtanto, M. (2021). Implementation of the Education and Training Program seen from the CIPPO Perspective. *Journal of Education Research and Evaluation*, 5(4), 614-623.
 42. Wolthuis, F., van Veen, K., de Vries, S., & Hubers, M. D. (2020). Between lethal and local adaptation: Lesson study as an organizational routine. *International Journal of Educational Research*, 100, 101534.
 43. Xing, X., Garza, T., & Huerta, M. (2019). Factors influencing high school students' career and technical education enrollment patterns. *Career and Technical Education Research*, 44(3), 53-70.
 44. Yemini, M., & Maxwell, C. (2021). Mobilities of policy and mobile parents – Creating a new dynamic in policy borrowing within state schooling. *Globalisation, Societies and Education*, 19(1), 70-80.
 45. Zhao, Y. (2020). COVID-19 as a catalyst for educational change. *PROSPECTS*, 49(1), 29-33.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی